

هرات . جنک برادران فتوح خان باهرات . مراجعت برادران فتوح خان از هرات بقندهار . جنک سردار شبردلخان و دوست محمد خان در کابل . تخلیه شکار یور از طرف سردار رحمدل خان و اشغال میران سند . جهاد سید احمد بریلوی با ضابطه سیک . مغلوبیت سردار یار محمد خان و برادر اس از سید احمد مجاهد در پشاور . کشته شدن موای احمد علی سی از دست سردار سلطان محمد خان و پسر محمد خان . میران جدید سند . استیلای میران سند در نواحی شکاری یور . جنک شه شجاع و میران خیر یور . مذاکره شه شجاع و میران سند . جنک شه شجاع و سردار دوست محمد خان در قندهار و غنیه مؤخرالد لار . حرد شه شجاع از طرف میران سند و آغاز مذاکره شاه با انگلیس ها . لشکر کشتی شه شجاع و انگلیز ها بجانب خراسان (یعنی افغانستان) جنک باوچ ها با انگلیز . جنک شه شجاع و انگلیز ها با قندهار و غرنی . اشغال کابل . رجعت انگلیز از کابل و جنک باوچ سی ها با ایشان . جنک های باوچ با انگلیز ها . آمدن دولت محمد خان از بخارا و تسلیم شدنش به انگلیز ها . انقلاب کابل . شهادت عبداللہ خان اچکزائی . آمدن سردار محمد اکبر خان از بخارا . کشته شدن مکنتان و غیره انگلیسان . استرداد غرنی از دست انگلیز ها . محصور شدن انگلیز ها در جلال آباد و کشته شدن شه شجاع در کابل . استرداد اکبر خان مؤجلال آباد به کابل . آمدن دوم انگلیزها در کابل و سوختن بازارها . رفتن انگلیزها در غرنی . آمدن امیر دوست محمد خان از هندوستان به کابل . گرفتن امیر دوست محمد خان برافغانی را که سرداران ملی از انگلیزها اغتنام کرده بودند . آمدن برادران امیر دوست محمد خان از ایران در قندهار و تخلیه قندهار از طرف انگلیز ها . رفتن انگلیز ها به هرات از شهرزاد کامران و مایوس شدن از طرف وزیر یار محمد خان . آمدن انگلیزها در ملک سند . جنک های انگلیس با سندیا و قایم معقل سند و الاخر استیلای انگلیزها در آویلات سند .

مؤلف و اهمیت کتاب : ناچایسکه از بهترینات کتاب معلوم میشود مؤلف کتاب ایام جوانی را در شکاری یور به تحصیل علم اشعار و کسارت شاه کار و دست حکام شکاری بود که از طرف افغانستان مقرر شد تا در پشاور به سر ببرد و هم بعد از مدتی در ولایات قندهار و کابل و پشاور زندگی کرده است . چنانچه در سال ۱۳۲۶ هجری قمری و قتیبه که تائب ملامون غلجانی از حکومت شکاری یور معزول و بوقت ما حاضر است . خواست مؤلف را با خود در قندهار ببرد . اولی و اولین او که در شکاری یور بود . بعد از آن در پشاور در پنداند . اما مؤلف نتوانست بعد از چندی رضایت ایشان را برای این مسافرت حاصل کند . سردار رحمدل خان جاکم جدید شکاری یور متعایل به اقامت مؤلف در شکاری یور بود . و برعکس میرزا عطاء محمد قندهاری از مؤلف خواهش اشرف او مینمود . تا کار را اشاء و تعزیرات حکومت شکاری یور منحصر برای خودش بنماید و از بر عطاء محمد میگفت بیرون آید . اما موجوده بل خلاف گذشته انجام تو بخششی به زیر دستان خود یعنی نماینده من از لاف سفرو و مصارف گذشته او بدون ماموریت در شعبه اشاء و تعزیرات مینماید . در هر حال مؤلف بقندهار رحیم او از طرف تائب ملامون غلجانی تائب و پیشکار سردار شبردل خان تائب لار حکومت قندهار به عهدت مغتاز کاری در سردار مذکور معزول گردید . و دو سال اینوظیفه را انجام داد . در طی این مسافت میرزا احمدخان (شاید استوفی قندهار) با مؤلف معارفا و مهربانی بسیار نمود . و تائب ملامون غلجانی

و طره باز برادرزاده او از پرورش و نوازش مؤلف در بیخ نورزیدند ، با اندازه نیکه مؤلف
 دوسه و چهل هزار روپیه معاشات عیاله و عذبه سردار را بدست خود برداشته بود اما از حساب
 نکر فتند ، در سال ۱۲۴۸ هجری قمری به ملک جمالی الاخر شهزاده ، کتلمران ابدالی از هرات
 بمزم رزم قندهار عسکر کشید و سره اران فلسفه هار با چهار اوش نیم هزار عسکر و شش
 توبی به مقابل روان شدند (مؤلف در بین عسکرات کشتی شاهی بود ، او بعد از شش ماه خوب و ضریب
 بالاخره در زنی بالهجه ۱۲۴۸ بشهر فلسفه هار خودش نمود ، بعد از این بعد سر گذشت مؤلف
 عیالنا بما معلوم نیست چون اینکه او و قایم تاریخی افغانستان آن روز را که راغلبا چشمه دیم
 خویش بود در ضمن این مسافرتها بطور متفرق انشویه کرده و اما ادرا بسبب تلاش معاش
 فرصت ترتیب و تدوین دست نمیداد ، تا آنکه بالاخره به نشارت دلسویک در صاحب
 بهادر کبابکتر شیکار پور به ترتیب و تدوین مسودات کتاب خویش پرداخت .
 مؤلف السنه پشتو ، فارسی ، بلوچی و سنندی میدانست و علاوه فارسی به مضامین عبارات السنه
 ثلاثه دیگر را در متن کتاب خود گنجانیده است ، اسلوب نگارش او فارسی قادی و معمولی
 آفرمان بوده ، و حتی اغلاط لفظی (اگر از کتاب کتاب نبوده باشد) نیز دارد ، ولی این
 لغزشها نمیتواند از اهمیت بزرگ این کتاب هراتر بیخ قرن نوزدهم افغانستان بکاهد ، مؤلف
 در تحریر این کتاب نام افغانستان ، را ابداع ساخته ، و از اول تا اخیر تا بیخ خود همان
 نام معروف و هزار و چند صد ساله کشور ما را بهی و خراسان ، در مورد مملکت اطلاق ،
 و ملت افغانستان امروزه را در خراسانین و بخوراند ، مؤلف عدالت دارد که وقتی در تحریر
 تاریخ مملکت به اسماء از جلال قاضی و خاری در میخورد ، همه را بدون تفریق دوست و دشمن
 و خوب و خراب با احترام یاد میکنند ، ولی در همان حال اوصاف خوب و زشت هر یک را شمرده ،
 از مظالم ، عیاشی ، معاشقه ، پول پرستی ، خیانت ، وفا ، عقل و تدبیر ، عدالت و شجاعت ،
 جن و خوف و ... آنها حساب و قضاوت میکنند .
 مؤلف از برج هفت منزله و منقش آب درزای کابل ، و سونپا و فواره هانی که از دریا
 بالا آب میکشد ، و از آئینه های ملیون و پنجمی آراسته وزیر فتح خان در آنجا حرف
 میزند ، و در وصف قلعه سراجی ، آبراب چندی درج کتاب میکنند ، او از عروسی وزیر
 بابیکی از اهل طرب کشته بسخن میگوید ، و از عشق بازی و مکیانبات میر اسمعیل شاه نماینده
 ولایت سند بالطیفی نام رقاصه سنای پشاور قصه میکنند (ص ۲۸ - ۳۰ - ۳۲) هکذا او
 از مظالم شهزاده کتلمران ابدالی در هرات ، از تجاوز ، و مجازات نسوان در آفتاب
 شیکار پور ، و از اعدام اسرا ، افغان و امتناع نیکمین شهزاده غزنی از طرف شغشجاع ابدالی ،
 از مظالم خدای نظر خان ماملی برادران وزیر فتح خان در قندهار ، از خدعه و خیانت و ریختن
 میران سند و اخلاق سندیان ، از جرأت و دفاع بلوچی ها از وطن ، از فریب و دسیسه انگلیزها ،
 از حمیت و جوانمردی و رشادت خراسانیان ، به تفصیل سخن میراند . مؤلف از جنگهای هرات
 با فارس ، از قشون پشچاه هزاری وزیر فتح خان و از سه ملیون روپیه معاش و دو نیم ملیون
 روپیه مضارف ابقشون از قندهار تا هرات ، از دوسه هزار روپیه قیمت العیال معروف
 ، کوه نور ، در شیکار پور ، از جنگهای ابدالی و سهند زانی بیستم ، از جنگها و وقایع سند ،
 از جهاد سید احمد بریلوی و بالاخره از صدها وقایع مهم تاریخی دیگر با تفصیل جالب و جوی
 سخن میزند (ص ۲۷ - ۲۸ - ۱۴۷ - ۱۸۶ - ۲۲۵ - ۲۵۵ و ...)

والحاصل اینست که بنام یکی از اسناد گران بهای تاریخی قرن نوزدهم افغانستان نسخه منحصر بفردی است که در زریف نسخ خطی و قیمتدار اسناد تاریخی مملکت از قبیل نسخه خطی تاریخ پادشاهان متأخرین افغانستان (متعلق کتابخانه موزه کابل) نسخه خطی تاریخ گلشن امارت (متعلق کتابخانه ریاست مطبوعات) نسخه خطی دروزنامه و فایع شهباز ابدالی (متعلق کتابخانه موزه کابل) نسخه خطی منظومه جنگنامه (متعلق کتابخانه شاهی) و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ کتب بیون مکتوبات شخصی مجاهد مشهور نایب امین الله خان اوگری باجران ملی ۲۱ و ۲۲ بشمار میرود که حتماً قابل طبع از طرف انجمن تاریخ افغانستان میباشد.

عبارتاً بطور نمونه اثر این کتاب دویارچه آن در اینجا نقل میشود:

نمونه نشر کتاب بی‌نام

(۱)

(صفحه ۲۹۸) وزیر اعظم (مکاتمان قوماندان قوای اسکلیز در کابل) در بحر تفکر و اندیشه فرورفته و وزیر اعظم عالیجا مستر برنس صاحب بهادر که مرد هوشیار و داندانمند و مغرور افواج اسگریز به داورا به پیشگاه حضور احضار داده که احوال صدور فرمان ملکه انگلستان و روانگی خود بیان نموده و هم او را بر عهده وزارت خود مقرر نموده گفت که بعد از دو روز روانگی ما جانب منتهی (۴) خواهد شد لیکن یک خطر و واقعه در دل ما بهر سیده است اگر چه تمام رعایای و سرداران کابل و غیره در سلطنت او ایامی دولت بسیار خوش و رضامندی باشند مگر بعضی امرادری فتنه و فساد سعی هستند میادا بعد روانگی من کدام خلک و فساد بر پای گردد که زوال دولت سلطنت شاه بعمل آید درین صورت مناسب همین است که شما در حضور اولیای دولت (شهباز بادشاه دست نشانده

(۱) این چهار نسخه خطی قبلاً از طرف اینجانب توسط نمرات و مجله آریانا در سال جاری و گذشته معرفی شده است.
 (۲) این کتب بیون قیمتدار مورد مطالعه آقای کهزاد قرار دارد و توسط مجلات آریانا معرفی خواهد شد.
 ۵۵۶ - ۵۶۶ - ۶۸۱ - ۷۳۱ - ۸۷ - ۷۷ (۳)

نمونه نثر کتاب بینام

انگلیز) رفته در خلوت خاص که متنفس حاضر نه می باشد از طرف ما بعد ادای مراسم آداب بحضور او ایای دولت عرض نمایند که اگر حکم قضائیم نافذ گردد که سرداران کابل را اگر فتاری نموده همراه خود طرف هندوستان گرفته بروم خصوصاً عالیجاهان عبدالله خان اچکزائی و امین الله خان او کرمی و شمس الدین خان برادرزاده امیر دوست محمد خان که همبردگان همیشه در فکر زوال سلطنت او ایای دولت می باشند چون ماندن عالیجاهان مذکور در ولایت خراسان مقرون مصلحت نیست از این رو بر ذن آنها جواب دهند و ستان بهتر و مناسب می باشد که ماده فتنه و فساد کلی هستند بعد رفتن عالیجاهان مذکور هیچ رخنه خرابی و فساد در اساس دولت سلطنت راه نخواهد یافت چنانچه عالیجاه برائس صاحب بهادر بموجب حکم مسکنان صاحب وزیر اعظم به پیشگاه او ایای دولت شرف استیلام یافته در خلوت خاص تمام سرگذشت عالیجاهان مذکور بسمع اشرف اعلی رسانیدند او ایای دولت بعد از شنیدن سرگذشت مذکور عالیجاه برائس صاحب بهادر را حسب دستور خلعت فاخره عطا نموده امر کرد که جواب این سخن بعد مشورت بوجه احسن داده خواهد شد عالیجاه مذکور از حضور او ایای دولت شرف ارتخاص حاصل نموده پیش وزیر اعظم آمده تمام احوال را بیان نموده و وزیر اعظم چشم انتظار بر صدور جواب او ایای دولت داشت

در بیان جنگ نمودن عالیجاه عبدالله خان اچکزائی غازی با افواج

انگریزان و شهید شدن عالیجاه مذکور

فرمان فرمای قلم که اعظم مقام ولایت سخن و راست در تسخیر حصار این مدعای چنین بیان می نماید که هر گاه عالیجاه برائس صاحب بهادر از آستان فلك بنیان او ایای دولت شرف ارتخاص یافته از مجلس خلوت روانه گردید او ایای دولت جمیع سرداران کابل را بحضور اشرف حکم احضار داده امر نمود که تجویز بر صلاح عالیجاه مسکنان صاحب در گرفتاری ایشان و بردن شماراه همراه خود جانب هندوستان که ماهو حقه می باشد و درین باب حکم اجازت از حضور مامی خواهد ایکن هنوز از سر کار اشرف با و حکم نافذ نگردیده